Archive of SID

10th International Conference on Language, Literature History and Civilization
CINVU
Avicenna International Community College LLC
September 18, 2023 Tbilisi - Georgia

کارکرد عنصر رنگ در نمایش های آیینی (نمونه موردی مجالس شبیه خوانی)

بهروز قربانی[۱]، محمدرضا غفاری[۲]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد کارگردانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ایران

۲-عضو هیأت علمی گروه هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ایران

چکیده

رنگ بخش مهمی از انسان می باشد جهت فهم و درک ارتباط امور واقعی و ذهنی که در طبیعت می بیند و با آن ارتباط برقرار می کند. هنرمند با این رویکرد نسبت به کارکرد هنری عنصر رنـگ و خلق تصاویر هنری، از تاثیر و تأویل پذیری آن در انتقال عواطف و احساسات در مواجه با مخاطب در اثر خود استفاده می نمایند. در میان این هنرها رنگ بخش مهمی از عناصر تشکیل دهنده نمایش های آیینی-مذهبی، به خصوص تعزیه یا شبیه خوانی می باشد.کاربرد رنگ در نمایش های آیینی-مذهبی مستقیما با فضا سازی و رنگ آمیزی رویدادهای آیینی صحنه و در نهایت ارتباط با مخاطب ارتباط ناگسستنی دارد. این پژوهش به صورت موردی به تبیین کارکرد رنگ در هنر شبیه خوانی و چگونگی تقابل آنها در نمایش های آیینی-سنتی می پردازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ برای این پرسش است که چگونه رنگ می تواند در نمایش های آیینی مفاهیم مد نظر خود را به مخاطب انتقال می دهد. تاثیر استفاده از عنصر رنگ درمجالس شبیه خوانی و بررسی قابلیتهای دراماتیک آن در انتقال مفاهیم نمایشی چگونه می باشد؟ با بررسی کارکرد عنصر رنگ، بر مخاطب در نمایش های آیینی به ویژه شبیه خوانی به این مهم پی می بریم که عنصر رنگ تاثیر بسزایی در خلق و فضا سازی و انتقال مفاهیم به مخاطب را ایفا می کند. یافته های این پژوهش بواسطه بررسی روانشناختی این موضوع کمک شایانی بـه تبیین این کاربرد برای فهم مخاطب و ارتباط آن با نمایش های آیینی سنتی و هنر شبیه خوانی می باشد.

کلیدواژه‌ها: نمایش آیینی، شبیه خوانی ، کارکرد عنصر رنگ

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

اولین برخورد انسان در مواجه با طبیعت با مفهوم رنگ، آغاز می گردد. برگ ها در این میان بواسطه رنگ های مانند سبز و زرد و سرخ... فصل ها را تداعی می کنند. رنگ ها در مواجه با حالات روحی و روانی ما تاثیر مستقیم دارند رنگهای با مفاهیمی چون؛ گرم (قرمز، زرد، سبز و بنفش) و سرد (آبی، سبز و فیروزه ای) و خنثی (سیاه، سفید و خاکستری) بر اساس قرار گیری در رویدادهای مختلف در اجرا، صاحب کاراکتر می شوند. شاید به این دلیل است که رنگ ها بواسطه استعاره در همزمانی قرار گرفتن، در رویداد ها وشرایط های محیطی گوناگون در زندگی ما به تعابیر بسیاری مانند سفید بخت شدن، رو سفید گشتن، از خجالت سرخ شدن و یا سبز قامت گشتن، معنا و مفهومی تازه می یابند. این مفاهیم بواسطه عنصر رنگ غالبا پیش فرض های را بر اساس کاراکتر خود در زندگی ما بوجود می آورند. این پیش فرض ها مانند؛ رنگ های تیره که نمود بیرونی انسان را محزون نشان می دهند و رنگهای شاد بیانگر انرژی وعشق به زندگی می باشند. رنگ ها به طور کل در القای مفاهیم تاثیر مهمّی دارند و تقریبا در همه عرصه های زندگی ما با حضور خود نقش ایفا می کنند. مفهوم رنگ در نمایش از جمله عناصر بصری می باشد که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف معانی متنوعی یافته و عملکردش به گونه‌ای است که یک رنگ مشخص گاه در مکان ها و موقعیت های مختلف معانی متضادی دارد. اما آنچه در نمایش اهمیت دارد، استفاده از رنگ‌ها در صحنه‌های اجرا است. زیرا تاکنون ثابت شده است که رنگ‌ها تأثیرات روانی، عاطفی و عقلانی خاصی بر صحنه و مخاطب به جای گذاشته اند. همچنین رنگ‌ها در سنت‌های مختلف تئاتری در جهان، معنی نمادین و ویژه‌ای یافته که از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت می باشد. با این وجود معانی مشترکی نیز ممکن است در میان رنگ‌ها وجود داشته باشد و بخشی از رنگ‌ها، برای دست یافتن به واکنش‌های عاطفی به‌خصوصی به شکل قراردادی آن، در دنیای تئاتر امروز مورد قبول قرار گرفته و تنها شکل سنتی نمایش هنوز به قراردادهای خاص خود در زمینهٔ رنگ پافشاری دارند. در نمایش‌های ایرانی نیز رنگ‌ها مفاهیم خاص خود را دارند و بر طبق کارویژه های خاص صحنه و مخاطب به‌کار گرفته شده اند. کارکرد رنگ در تعزیه از همین نوع است و قراردادهای خاص خود را برای اجرا در مجالس و نسخ مختلف خود دارد. عنصر رنگ در جای جای مختلف نمایش که در صحنه وجود دارد و به بیان صحنه، صاحب قرارداد و مفهوم خاص خود می باشد. در نمایش های آیینی در اجرا به لحاظ موضوع و محتوا و نحوه ی انتقال آن نقش مهمی را ایفا می کند. با این نگاه به بررسی کاربرد رنگ در عناصر نمایش بخصوص در شبیه خوانی و نحوه ی اجرا و استفاده از آن بر روی صحنه ، و نیز چگونگی تاثیر آن در برقراری ارتباط با مخاطب می پردازیم. کارکرد عنصر رنگ در نمایش های آیینی و بویژه مجالس شبیه خوانی به مفهوم رنگ‌های سیاه، سفید، سبز، قرمز، و زرد مد نظر این پژوهش می باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

پیشینهٔ تحقیق

شاهین شهناز (۱۳۸۳) ، در پژوهشی تحت عنوان بررسی نماد رنگ در تاتر و ادبیات و در آیین ملت ها به این موضوع پرداخته و می گوید: رنگ ها در شیوه زندگی و حالات روحی ما تاثیر بسزایی دارند و در آیین ملت ها از جایگاه نمادینی برخوردارند. پاره ای رنگ ها مانند رنگ سرخ، در جوامع مختلف، مفهومی متفاوت دارند و پاره ای دیگر، مانند رنگ سبز، معمولا دارای معنایی کما بیش مشابه اند. در ادبیات نیز رنگ ها احساسات و نشانه های گوناگونی را القا می کنند. در دنیای نمایش، رنگ در دکور و نورپردازی، در لباس و چهره آرایی، حضوری آشکار دارد، منظوری خاص را بیان می کند و بیننده را تحت تاثیر قرار می دهد. فتانه محمودی و محمود طاووسی(۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان جایگاه هویت آیینی- مذهبی تعزیه و واقعه عاشورا در هنرهای تصویری مازندران از زاویه ای خلاقه به این موضوع پرداخته اند. روایت آنها از تعزیه (شبیه خوانی) نمایشی آیینی، روایی، منظوم و موسیقایی است که از متون تصویری تعزیه که در پرده های تعزیه، شبیه خوانی ها، سقاخانه ها، سقانفارها و قهوه خانه ها نقش بسته اند. این پژوهش، پس از بررسی پیشینه، ارکان و مضامین تعزیه، به ارتباط آن با هویت آیینی و مذهبی و تأثیر این متون بر هنرهای تصویری مازندران در دوره قاجار بیانگر آن است که نقوش مرتبط با مضامین مذهبی، متون تعزیه و باورهای دینی عامیانه، بیشترین نقش را در تزئین این بناها ایفا می کنند. شبنم محمدی و علی وندشعاری(۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان معناشناسی رنگ در تعزیه عاشورا با تأکید بر آیات قرآنی به این موضوع پرداخته و به این نتایج رسیده اند که رنگ از دیدگاه زیبایی شناسی، روان شناسی، تیپ شناسی و شخصیت شناسی، یکی از ارکان اساسی بررسی فرهنگ مادی و معنوی در تعزیه است و نقش برجسته در پوشاک شبیه خوانان دارد و از موارد و نکات ظریف و قابل تأملی است، که برگرفته از سنت ها، آئین ها و نشانه های متکی بر فرهنگ هایی با قدمت بشری است. تعزیه مبتنی بر قراردادها و نمادها و نشانه هاست. تعزیه از عناصر دیگری مثل رنگ ها، نمادها و نشانه های مخصوص، رنگ و طرح لباس برای تشخیص شخصیتها استفاده می کند. رنگ در روان شناسی، دین اسلام، قرآن از جایگاه بالایی برخوردار است. با مطالعه رنگ در این موارد، می توان به جایگاه معنایی رنگ در تعزیه عاشورا دست یافت. علی اصغر فهیمی فر و شهاب پازوکی (۱۳۹۵) ، در پژوهشی تحت عنوان پدیدارشناسی حضور اجراگر در شبیه خوانی به این موضوع پرداخته اند و با کاربست رویکرد پدیدارشناسی در تحلیل شبیه خوانی با هدف روشن سازی شرایط بنیادین موضوع را بررسی نموده اند. در این مقاله براساس نظریه اشکال پدیداری حضور بازیگر در تئاتر که توسط برت. ا. استیتس ارائه شده است در مورد پدیداری حضور اجراگر در شبیه خوانی تحلیل و ارزیابی صورت گرفته است. استیتس کاربرد پدیدارشناسی را در فهم ساختار صوری اجرای تئاتر از طریق بررسی نحوه حضور بازیگر به عنوان عنصر اصلی یک رویداد تئاتری و به طور خاص عمل کلام جاری در اجرا نشان می دهد. وی همچنین سه حالت ضمیری خودبیانی, مشارکتی و بازنمایی را در رویارویی مخاطب با بازیگر در یک اجرای تئاتری را به تصویر کشیده است. با این رویکرد شبیه خوانی قطعه اجرایی سیال و ابرگونه ای میان سه حالت حضور اجراگر است که طی آن مخاطب و اجراگر در

www.SID.ir

Archive of SID

پیوندی دینامیک با یکدیگر جهانی مشترک از تجربه و آگاهی را شکل می دهند. محمد اعظم زاده و همکاران(۱۳۹۵) ، در پژوهشی تحت عنوان رنگ در جامه های تعزیه با تاکید بر مفهوم رنگ از دیدگاه عرفا، به این موضوع پرداخته اند که تعزیه، هنر نمایشی است که قبل از آنکه مدیون شعر و آهنگ باشد، وابسته به رنگ است. رنگ در تعزیه نقش اساسی ایفا می کند. با انتخاب رنگ شخصیت های داستان از هم تفکیک شده و باعث تاثیرگذاری در ذهن بیننده می شود.در این میان استفاده از مفهوم رنگ در وصف عواطف نفسانی و دریافت های شخصی بسیار قابل توجه بوده است. رویکرد اول این پژوهش بنیادهای عرفانی رنگ از منظر عرفای اسلامی را بیان کرده و رویکرد دوم بازتاب اندیشه های عرفانی و معانی نمادین رنگ را در جامه های تعزیه خوانان، مورد بررسی قرار داده است.یافته های پژوهش نشان داده که رنگ در جامه های تعزیه منطبق بر دیدگاه عرفان اسلامی بوده است. همچنین رنگ متناسب با درجات مختلف نور و ظلمت، گاه نماد سیر و سلوک و جهان غیب و گاهی تصویری از فضای زمینی، متناسب با درجات نفسانی و عوامل خیر و شر، بوده است. محمد نصیری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی به این موضوع پرداخته و مورد بررسی قرار داده اند. به اعتقاد این پژوهشگران در این میان «رنگ» نمادین‌ترین تمثیل تجلی کثرت دروحدت می باشد، زیرا ذات مجرد بیرنگ نورکه خود نماد کامل وحدت است، با رنگ تجسم می یابد و نور بدون تعین مادی، با رنگ تعین می یابد و عاملی برای ظهور ومحل رویت آن می گردد. چگونگی وکارکرد بازتاب وجود رنگ ها و ترکیبات آنها درهنر ایرانی می باشد. در نتیجه رویکرد این پژوهش به نظرمی رسد هنر اسلامی سعی دارد تا احدیت خداوند را لابه‌لای رنگ ها، فرم ها، انوار واصوات و به تعبیری معنا را درصورت به تصویر درآورد. زهرا حسین آبادی و مسعود رحیمی صادق(۱۳۹۹) ، در پژوهشی تحت عنوان بررسی و نمادشناسی رنگ در لباس نمایش تعزیه به این موضوع پرداخته اند.از نظر این پژوهشگران بخش مهمی از عناصر تشکیل دهنده ی نمایش آیینی- مذهبی تعزیه را لباس شخصیت های نمایش یا شبیه خوان ها تشکیل می دهد. ارزش و کاربرد رنگ در لباس های شبیه خوان ها به اندازهای دارای اهمیت است که در ارائه ی صورت وسیرت شخصیت های نمایش کارساز و قضاوت مخاطب را به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که رنگ در تعزیه حضور اتفاقی و زینتی ندارد، بلکه در ساختار نمایش به صورت کاملا نمادین هویدا گشته و بیانگر حالات درونی و برونی شخصیت های نمایش است، ازاین رو عنصر رنگ بر مخاطب تاثیر بسزایی دارد. نفیسه محمدی تمنایی(۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان چهار بن مایه مفهومی مشترک در نمایش های آیینی ایران و تعزیه به این موضوع پرداخته که در قلمرو ایران زمین ریشه های هنر نمایش در نمایش های آیینی و قومی قابل مشاهده است. مهمترین این نمایش های آیینی و مذهبی، تعزیه است. از سوی دیگر به نظر می رسد برخی اسناد و اشیاء باستانی در ایران نشانه هایی از اجرای یک نمایش مذهبی را دارند. با مطالعه منابع باستانی ایران، نمایش های بومی و تطبیق آن با نمایش تعزیه، می توان الگویی از بن مایه های مفهومی نمایش ایرانی به دست آورد. این الگو شامل چهار مفهوم: نبرد خیر و شر، مرگ قهرمان، سوگواری برای قهرمان و پیوند درونی بازیگر با تقدس اجرا باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شمارۀ ۱: مولفه های کارکرد عنصر رنگ در نمایش های آیینی از دیدگاه محققین داخلی،تدوین:نگارنده،۱۴۰۱

ردیف	محققین	عنوان تحقیق	مولفه
۱	شاهین شهناز (۱۳۸۳)	بررسی نماد رنگ در تاتر و ادبیات و در آیین ملت ها	رنگ وادبیات،آیین ها ومفاهیم بصری،رنگ سبز،رنگ سرخ ،رنگ سیاه، روانشناسی رنگ ومفاهیم آنها، رنگ در نمایش.
۲	فتانه محمودی و محمود طاووسی(۱۳۹۰)	جایگاه هویت آیینی- مذهبی تعزیه و واقعه عاشورا در هنرهای تصویری مازندران	تعزیه (شبیه خوانی) نمایشی آیینی، روایی، منظوم و موسیقایی ، تصاویرسقاخانه ها، سقانفارها و قهوه خانه ها،نقوش مرتبط با مضامین مذهبی، متون تعزیه باورهای دینی عامیانه
۳	شبنم محمدی و علی وندشعاری(۱۳۹۴)	معناشناسی رنگ در تعزیه عاشورا با تأکید بر آیات قرآنی	رنگ از دیدگاه زیبایی شناسی، روان شناسی، تیپ شناسی و شخصیت شناسی، تعزیه مبتنی بر قراردادها و نمادها و نشانه ها،تعزیه و عناصر رنگ ها، نمادها و نشانه های مخصوص، رنگ و طرح لباس برای تشخیص شخصیتها.
۴	علی اصغر فهیمی فر و شهاب پازوکی (۱۳۹۵)	پدیدارشناسی حضور اجراگر در شبیه خوانی	رویکرد پدیدارشناسی در تحلیل شبیه خوانی، اشکال پدیداری حضور بازیگر، سه حالت ضمیری خودبیانی, مشارکتی و بازنمایی، رویارویی مخاطب با بازیگر.
۵	محمد اعظم زاده و همکاران(۱۳۹۵)	رنگ در جامه های تعزیه با تاکید بر مفهوم رنگ از دیدگاه عرفا	بنیادهای عرفانی رنگ از منظر عرفای اسلامی، بازتاب اندیشه نمادین در جامه های تعزیه خوانان،تناسب رنگ با درجات مختلف نورو ظلمت، رنگ نماد سیر و سلوک و جهان غیب.
۶	محمد نصیری و همکاران (۱۳۹۷)	نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی	عرفان و معنای شناخت ودریافت شهودی خدا واسماءوصفات او، نورورنگ درهنراسلامی، چگونگی

www.SID.ir

Archive of SID

			وکارکرد بازتاب وجود رنگ ها وترکیبات آنهادرهنر ایرانی.
۷	زهرا حسین آبادی و مسعود رحیمی صادق(۱۳۹۹)	بررسی و نمادشناسی رنگ در لباس نمایش تعزیه	ارزش و کاربرد رنگ در لباس های شبیه خوان ها، جایگاه رنگ در لباس های شبیه خوان ها، رنگ و ساختار نمایش، رنگ و بیان حالات درونی و برونی شخصیت های نمایش.
۸	نفیسه محمدی تمنایی(۱۴۰۰)	چهار بن مایه مفهومی مشترک در نمایش های آیینی ایران و تعزیه	هنر نمایش در نمایش های آیینی ، نشانه های دینی، مذهبی وفرهنگی، چهار مفهوم: نبرد خیروشر،مرگ قهرمان، سوگواری برای قهرمان و پیوند درونی بازیگر با تقدس اجرا.

مبانی نظری

مقدمه

موضوع رنگ در هنر موضوع جدیدی نیست و در حوزه مطالعات رشته های هنری غالبا حضوری چشم گیر دارد. در حوزه نمایش در این زمینه پژوهش های هر چند اندک صورت گرفته است. در این میان رابطه رنگ و حوزه نمایش های از جمله مباحثی است که در این پژوهش به آن پرداخته ایم و مفهوم کلی رنگ و تاثیرآن در خلق فضای نمایش های سنتی، و کاربرد و معانی رنگها مورد استفاده و همچنین کاربرد نور و معانی آن در هنر شبیه خوانی بررسی شده است. در پژوهش پیش روی به تبیین موضوع به طور اخص آن هم بر پایه تقابل رنگ های سیاه و سپید، سرخ و زرد و سبز ـ نه تمامی رنگها ـ پرداخته و بسامد هر کدام از این رنگها را در هنر شبیه خوانی مورد بررسی و سپس تجزیه و تحلیل نموده ودر نهایت به نتیجه در این موضوع رسیده ایم.

نمایش های آیینی

آیین یا مناسک رسمی است که نوع بشر از دیرباز به اجرای آن پرداخته است. این رسمی دست ساز نمایش گونه بشر برگرفته از فرهنگ هر جامعه و با توجه به ارتباطات اجتماعی آن شکل گرفته است از این رو، میتوان از آن به منزله پدیده ای اجتماعی – فرهنگی نام برد. در آیین ها نمادها و نشانه هایی وجود دارد که از طریق آنها می توان به معنا و مفهوم ذهنی برگزارکنندگان آنها پی برد. به نظر میرسد در یک اجتماع آنچه در زندگی واقعی افراد مهم است به گونه ای آن را بازنمایی می کنند. این

www.SID.ir

Archive of SID

بازنمایی معمولاً در آیین ها و مناسکی که در جشنها یا عزاداریها به آنها می پردازند. شبیه یک نمایش نزدیک به واقعیت یا یک نمایش کمیک و طنزگونه متفاوت با واقعیت خودش را نشان می دهد. بررسی انگیزه کنشگران در اجرای نمایش ها یکی از راه های تفسیر و درک واقعیت زندگی آنهاست. آیینها یا مناسک «می توانند بدایت ها و نهایت ها را مشخص و آنها را به عنوان رخدادهای متمایز در جریان کنش اجتماعی برجسته کنند. آیین ها می توانند شیوه و طریق انجام امور یا شیوه کنش اجتماعی و یک خلصت یا جنبه ای مربوط به سبک کنش اجتماعی باشند»(رودنبولر ،۲۰۱۲، ۳۲).

یکی دیگر از ویژگی اجرا آیین ها تعیین جنسیت بواسطه جهان مردانه یا زنانه می باشد جنسیت در اجرای آیین ها بواسطه نوع آیین تعیین می شود مثلا در نمایش آیینی تعزیه تمامی نقش بوسیله مردان خوانده می شود.«معمولاً در این گونه آیینها حضور جنس مخالف بنا به دلایلی ممنوع است و تمام وظایف و مراحل اجرای آیین به عهده یکی است»(رحمانی و فرحزاد، ۱۳۹۲، ۱۳). «آیین اجرا میشود و اجرا چیزی است برای کسی؛ اجرا امری است که به گونه ای زیباشناسانه مشخص شده و صورتی رفیع از ارتباطات است در طریقی ویژه، مقید و برای مخاطب خود حالتی نمایشی یافته است»(رودنبولر ،۲۰۱۲، ۴۰).

دیگر ویژگی آیین ها در اجرا در ماهیت شکل و مفهوم آن است.« در واقع شکل شان بخشی از معنای آن و برای اثربخشی آن، ضروری است. به همین دلیل، تلاش های ما برای تعریف ،آئین بیش از آنکه متوجه معانی، اهداف یا فرایندهای آن شود، باید معطوف به شکل آئین گردد (همان)؛ «هر آئینی یک واقعیت معنوی را بیان میک کند (کمپبل ،۲۰۱۹، ۱۱۹). از طرفی می توان گفت در بیشتر جوامع آئین ها چند لایه هستند آنها تنها یک پیام یا هدف ندارند، بلکه «پیام های متعددی داشته و در بسیاری از مواقع برخی از پیامها و اهداف در تضاد با یکدیگرند. با این وجود، تجربه های آیینی به دنبال تنظیم یک مفهوم وابسته به طبیعت درمورد چیزهاست و ارزشهای متقابل را تقویت می کند» (رحمانی و فرحزاد، ۱۳۹۲، ۲۸ – ۲۹) در نهایت، می توان اشاره کرد «آیین برای نظم اجتماعی ضروری است» (رودنبولر ،۲۰۱۲، ۲۳۳).

منظر آیینی ترکیبی از مکان رویداد و نمایش است که وجه نمایش در آن قویتر از انواع دیگر منظر است در منظر آیینی «تماشا» و «مشارکت» رکن است. بازیگران منظر آیینی انسانهای عادی هستند تماشاگرانی که در فهم نمایش مشارکت می کنند نیز از همان جنس هستند. منظر آیینی آنچنان که در مورد اسطوره نیز صادق است راوی تاریخ نیست؛ بلکه از تمایلات نگرانی ها و جهان بینی های گذشته حکایت می کند. لذا داوری آن به عنوان امر واقع و روایتی از تاریخ به نتایج ضدفرهنگی خواهد انجامید. مراسم قالیشویان مشهد اردهال منظری آیینی است که نکته جالب آن ترکیب اسطوره های دو فرهنگ قبل و بعد از اسلام ایران در یک مراسم است زمان رویداد دومین جمعه ماه مهر برگرفته از تاریخ ایام سعد ایران باستان، و ماجرای آن خونخواهی امامزاده است. نمادهای مراسم آن قدر متنوع و ترکیبی است که رمزگشایی آنها می تواند دریچه های زیادی به شناخت فرهنگ ایران باز کند. اگرچه مراسم قالیشویان منظری تدریجا شکل گرفته و دارای تطورات بسیار تاریخی است، اما اخیرا اقداماتی با هدف خوانش ایدئولوژیک از مراسم مطرح شده که ممکن است بعد تاریخی و اسطوره ای آن را در مخاطره قرار دهد. باید

www.SID.ir

Archive of SID

دانست منظر آیینی الزاما با خوانش عقلانی و فایده گرایی مستقیم قابل ارزیابی نیست؛ بلکه درست تر آن است که به عنوان نمادی از فرهنگ گذشته در ارتباط با مکان مورد توجه قرار گیرد تلفیق نمایش چوب بدستان مراسم با هیجان نوحه خوانی و مشارکت همزمان بازیگران و تماشاچیان در مراسم، حس خاصی از یک حادثه مهم در گذشته سرزمین ایجاد می کند که ارتباط آن با خونخواهی امامزاده به مراسم سمت و سوی عدالت خواهی نیز می بخشد. سه گانه منظر آیینی قالیشویان را باید حفظ کرد(منصوری،۱۴۰۰،۳).

شبیه خوانی

الا ای اهل مجلس بر شما حافظ خدا باشد...

...نه اینجا کربلا ، نه لشگر ما اشقیا باشد

غرض بهر عزاداری به پا گردیده این مجلس

بکا ابکا تباکا شاهد این مدعا باشد.

از شبیه خوانی که مترادف تعزیه می باشد به نمایشی از واقعه های تاریخی مذهبی زندگی و مصایب اهل بیت و خاندان پیامبر و بویژه واقعه کربلا یاد می کنند. تعزیه شناسان عقیده دارند: «که کل جوهره اندیشه و عواطف مربوط به حیات مرگ خدا و انسانهای همنوع را در بر می گیرد»(چلکوفسکی،۱۳۸۴،۲۳). شاید بتوان گفت که: «شبیه خوانی نیز نوعی «نمایش روایی» است که متشکل از سه عنصر اصلی «موسیقی » «کلام » و بازیگری » (نقش پوشی) بوده و مانند سایر نمایش های شرقی مبتنی بر قراردادهایی است. حوادث در تعزیه در میان انبوهی از بدایع هنر نمایشی پیش می روند چنان که حتی تصنع و بازیگری نیز به مفهوم خاص کلمه معنی ندارد. از آنجا که تعزیه انعطاف پذیری بسیاری دارد اجزای کمی تعزیه به راحتی تغییر می کنند اما معمولاً تعزیه با پیشخوانی آغاز می شود و شرح مختصری از واقعه برای مخاطب داده می شود. گاه نیز نوحه ها یا دعایی مربوط به متن تعزیه پیش از اجرا خوانده می شوند و در هر تعزیه با تعزیه دیگر متفاوت است. پس از آن ابتدا موافق خوان ها و بعد از آن مخالف خوان ها وارد می شوند؛ سپس گروه موسیقی درآمد آوازی مربوط به پیش خوانی را می نوازد. اغلب پس از آن معین البکا کارگردان نمایش مطالبی را در ماتم حضرت اباعبدا...(ع) و مجلس موردنظر بیان می دارد و پس از آن نمایش آغاز می گردد»(پیروای ونک ونیک نفس؛۱۳۸۹،۴).

شبیه خوانی یا تعزیه همچون کرداری جمعی و ثواب مند، بازسازی تمثیلی و ادواری شهادت بزرگان مذهبی {به طور خاص امام حسین(ع) و یارانش} پی آمدهای آن در برابر تودههای مردم است(اسماعیلی،۱۳۸۹،۴۲). اما این گونه از نمایش ایینی

www.SID.ir

Archive of SID

اشتراکات زیادی با نمایش صحنه ای در مواجه با مخاطب دارد: «در این گونه نمایش فرهنگی همواره نشانه های آیین و تئاتر در هم تنیده بوده و ناگسستنی جلوه می نماید. از سویی در شبیه خوانی اشکال هنری به شکلی تئاتریکال به کار گرفته شده و از سوی دیگر مسلمانان شیعه آن را نه یک تئاتر بلکه چون محفل و بهانه ای برای مشارکت فعالانه در مسیر رستگاری دینی و وحدت جمعی تلقی می شود؛ به سخن دیگر مخاطب شبیه خوانی برای داوری و سنجش اجرای نقشها و کشف طرح داستان یا برداشتی متکثر از یگانه مفاهیم ارائه شده در شبیه خوانی حضور نمی یابد بلکه هدف او جستجوی فضایل اخلاقی بهره مندی از اجر مذهبی و کسب اعتبار اجتماعی در نتیجه مشارکت در یک پویش قدسی و دینی می باشد»(فهیمی فر و پازوکی،۱۳۹۵، ۳۶-۳۷).

اریکا فیشر لیشته[1]، از پژوهشگران حوزه هنرهای نمایشی، نمایشهای دینی را در زمره اجراهای فرهنگی قلمداد می کند و معتقد است که نمایشهای مذهبی همواره مابین دو وجه آیینی و تئاتری در نوسان اند و یک رابطه رنگین کمانی میانشان برقرار است(هاشم پور،۱۳۹۲، ۲۱). حضور افراد در این مراسم آیینی چه بعنوان مخاطب ویا به عنوان مجری این نمایش، حضوری آیینی است که حاصل مشارکت جمعی با زویکرد اعتقاد و باور جمعی نسبت به یک واقعه است: «این دگر شدگی در شبیه خوانی در نتیجه مشارکت و پیوستگی مداوم «شبیه» یا بازیگر و مخاطبان بروز این فضا بینابینی اجراگر یا شبیه خوان .کند درمی میکوشد به جای آنکه در نقشی که به او سپرده شده و غرق شود شخصیت نمایشی را شبیه سازی کند هنگامی که نقشش به پایان می رسد با مخاطبان همراه میشود تا همگام با آنها و در فضایی مشارکتی برای ستم و ظلمی نمایشی شبیه خوانی و با کنش هایی جمعی و آیینی مانند سینه زنی و همنوایی در فرایند اجرا مشارکت کنند کرده و وجه آیینی شبیه خوانی را تقویت می کند. مشارکت شبیه خوان با مخاطب در این فضای رنگین کمانی در تبلور شبکه ای از روابط اجتماعی و شناختی نقش مهمی ایفا می کند. در این تجربه مشترک از سویی شبیه خوانان و مخاطب از زندگی روزمره و میثاقها و فضای حاکم بر آن جدا شده و از سوی دیگر قادر هستند که گذشته تاریخی و مذهبی را به زندگی اکنون خود گره بزنند. فضای بینابینی میان آیین و تئاتر و واقعیت و نمایش در شبیه خوانی از طرفی بر اشکال نحوه حضور اجراگر یا شبیه در این اجرای فرهنگی مؤثر بوده و از طرف دیگر از آن تأثیر پذیرفته است. به عبارتی فضای تعلیق و آستانه ای میان آیین و تئاتر در شبیه خوانی حاصل ظهور و بروز اشکال مختلف پدیداری اجراگر یا نقش خوان در شبیه خوانی بوده و آن را توجیه می کند»(فهیمی فر و پازوکی،۱۳۹۵، ۳۷-۳۸).

[1]Erika Fischer Lichte

www.SID.ir

Archive of SID

عنصر رنگ

رنگ در فرهنگ های مختلف با حضور تاثیر گذار خود محیط زندگی ما را متحول ساخته است. این تاثیر در هنر نمایش به خصوص نمایش های آیینی- سنتی منجمله تعزیه کاربردی بسیار وسیعی دارد و خود بعنوان یک کاراکتر مستقل در انتقال مفاهیم صورتی نمادین عمل می نماید. در هنر نمایش به مانند ادبیات نیز همین تاثیر را دارد. در این مبحث تاثیر رنگ را با ادبیات آغاز می نماییم؛ «همانطور که رنگ سیاه معنای حزن و ناامیدی و ظلمت دارد و سبز، رنگ مقدس و حیات بخش است و سرخ، رنـگ شهامت و شهادت در ادبیات نیز در همین معانی به کار رفته اند. البته نباید فراموش کرد که امتیاز بزرگ رنگها سلیقه و پسند انسانها در گزینش آنهاست و هر شخصی بسته به روحیات و عقاید و حتی تجربیات شخصی خویش رنگی را دوست دارد و همواره بدان عشق می ورزد و گاه با آن زندگی می کند. نمونه بارز آن فردوسی است که رنگ سیاه در آثارش با بالاترین بسامد، بیشترین میزان کاربرد را از نظر مفهومی دارد»(حسن ،لی، ۱۴۶،۱۳۸۶). سهراب سپهری در کتاب اتاق آبی که با رنگ آبی پیوندی ناگسستنی دارد به زندگی خود با رنگ آبی اشاره نموده است (سپهری،۱۴۰۰). ویا در هفت گنبد نظامی اینگونه آمده است؛ «بنابراین هر اثر ادبی بیانگر نحوه اندیشه صاحب اثر و جهان بینی اوست. از آنجا که شعر نیز به دلیل این که برخاسته از عمق احساسات و عواطف شاعر است، بازگو کننـده شخصیت و روحیات روانی وی نیز خواهد بود. شاید بتوان قویترین و نمادی ترین کاربرد رنگ در ادبیات فارسی را هفت گنبد نظامی دانست که در آن هفت سیاره هفت روز هفته و هفت الهه آنها از باور سومریان با هفت رنگ قرین گشته است»(همدانی ،زاده بی تا: ۴۷). حضور این معنا در ادبیات و مواجه آن با رنگ می تواند ما را با دریچه خلاقه ای به کارکرد و کاربرد رنگ در ادبیات رهمنون سازد. شاید بی راه نباشد که بگویم حال و روح تنانی ما با رنگ ها گرهی ناگسستنی دارد.

از این رو یکی مهمترین نظریات در مورد رنگ بر این باور است که: «ماکس لوشر، روان درمانگر و استاد روانشناسی که(به خاطر ابداع آزمایش رنگ لوشر، آزمایشی برای سنجش حالت روانشناسی افراد بر پایه رنگها) شخصیت مشهوری است برای اولین بار در سال ۱۹۴۰ ثابت کرد که رنگ ها نه تنها پیام و احساسات و عواطف را انتقال می دهند و با شخصیت افراد ارتباط دارند، بلکه دارای انرژی درمانی نیز هستند. طبق تحقیق و آزمایش او افراد براساس وضعیت روحی و عواطف و افکار ویژه خود از رنگ ها استفاده می کنند و رنگها نیز در شخصیت روانی آنها تأثیر مستقیم دارند. او پس از نتایج آزمایشات خود جدولی را برای مفاهیم روانشناختی رنگ ها تنظیم و ارائـه نـمـود ودر آن تفاسیر روانشناختی و فیزیولوژیکی خود را نسبت به آنها بیان کرد. (لوشر، ۱۳۷۴: ۴۵). سویه دیگر در مورد رنگ به مفهوم آن در قومیت های مختلف بر می گردد؛ «در باورهای دینی ملل مختلف رنگ لباسها و پوشش کارکردی ویژه داشته و برای مراحل و حالات مختلف، رنگهای متفاوت ارایه شده است. اهل طریقت نیز به رنگ لباس و پیوند آن با مراحل و درجات سالک توجهی خاص داشته اند»(حسن لی، ۱۳۸۵: ۱۳۵-

www.SID.ir

Archive of SID

۱۳۳). در ادبیات عنصر رنگ نه تنها در معنا نمادین بوده بلکه نوع ادبی و صنعت به کار رفته را بواسطه رنگ آمیزی در کلام متمایز نموده است. کارکرد رنگ در هنرهای مختلف و نحوه به کارگیری آن با توجه به مفهوم مخاطب متفاوت بوده است. در ادبیات فارسی ما این هنرها از شعر، ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی گرفته تا هنرهای نمایشی و آیینی بصورت یک زنجیره بهم متصل می باشند. با این رویکرد رنگ ها در آیین ها و سنت های ایرانی بواسطه برگزار کنندگان خویش جایگاه مهمی پیدا نموده اند. رنگ بواسطه حضورش در آیین های نمایشی ما تاثیرات روانی، عاطفی و عقیدتی خاصی بر مخاطبان این نمایش ها گذاشته است. همچنین رنگ درنمایش شبیه خوانی ، در جهت انتقال احساس و پیام نمایش جایگاه واهمیّت بسزایی دارد. رنگ ها بواسطه حضور خود در شبیه خوانی در شکل ها و فرم های مختلف از لباس یک شبیه خوان تا عناصر دیگر صحنه ای شبیه خوانی نشان دهنده هویت مفهومی به عنوان یک قرداد صحنه ای در نمایش ها آیینی مفاهیم و معنای را به مخاطب انتقال می دهند. در این پژوهش ما به بررسی چند رنگ و کارکرد آن در هنر شبیه خوانی می پردازیم. در این بین اول به رنگ های مورد استفاده گروه موافق خوان ها که بیشتر شامل رنگ های سبز و سفید می باشد پرداخته و بعد از آن به گروه مخالف خوان در شبیه خوانی که شامل رنگ های قرمز و صورتی و نارنجی می باشد با تاکید بر قواعد رنگ شناسی آنها را مورد بررسی قرار می دهیم و در آخر به رنگ زرد که در شبیه خوانی بواسطه کارکرد در رنگ لباس شخصیت حر که نشانه پشیمانی و شرمندگی اوست می پردازیم.

کاربرد رنگ سبز در موافق خوان ها

جهان پر از خضر سبزپوش دانی چیست
که جوش کرد ز خاک و درخت آب حیات
(مولوی)

رنگ سبز از دیرباز در ایران رنگ اهورایی بوده است .در اسلام از رنگ سبز بعنوان رنگی مقدس که همواره در تمثال رسولان خدا بوده است یاد شده است. در شبیه خوانی رنگ سبز ماهیتی آیینی دارد و تقدیس شده ای را به خود اختصاص داده است. در این پژوهش با توجه به ریشه های مذهبی نمایش شبیه خوانی در دین اسلام ابتدا جایگاه رنگ سبز را از نگاه دینی بررسی نمود و در نهایت به نمایش شبیه خوانی می پردزایم. در کتاب اوراد الاحباب اینچنین آمده است: «انس بن مالک گوید که رسول خدا رنگ سبز را از جمله رنگها دوست تر داشتی و جامه اهل بهشت سبز است.»(باخزری، ۱۳۴۵،۳۷). «در روایات آمده که هنگام تولد پیامبر اسلام (ص) جبرئیل به زمین آمده و پرچم سبزی را بر فراز کعبه برافراشت» (بکری ، ۱۳۷۳،۱۸۵). «در هنگام ازدواج ایشان با خدیجه (س)، حضرت رسول لباس سبز پوشیده بودند»(همان،۳۴۱). «به نقل بعضی از مورخان دیده شده که پیامبر (ص) هنگام طواف لباس سبز می پوشیدند»(ابن سعد، ۱۴۱۰، ۳۵۰). « جبرئیل (ع) در شب قدر در حالی نازل میشود

www.SID.ir

Archive of SID

که همراه وی لوای سبزرنگی است» (شیخ مفید،۱۴۱۳،۲۷۳). با این رویکرد نسبت به رنگ سبز، سبز فراتر از یک رنگ دیده می شود و مفاهیمی را در خود می گنجاند که در موقعیت ها و مکان ها و رویدادها دارای معانی متفاوتی می باشد: «در فرهنگ شیعه رنگ سبز نشانه ای از معصومیت و شعار بنی هاشم می باشد. سادات نیز برای متمایز ساختن خود از دیگران از شال یا عمامه سبز استفاده می کرده اند» (شهری ،باف، ۱۳۸۳، ۳۳۲). آنچه از سبز به عنوان لباس رسمی بنی هاشم یادشده در زمان مأمون عباسی است: «امیر مؤمنان، علی بن موسی را ولیعهد خویش کرده از آن رو که بنی علی را نگریسته و کسی را برتر و پرهیزگارتر و داناتر از او نیافته و او را رضای آل محمد نامیده و دستور داده که پوشیدن جامه های سیاه را بگذارند و جامه های سبز بپوشند و به عیسی و یاران وی و سپاه و سرداران و بنی هاشم دستور میداد که با وی بیعت کنند و وادارشان کند که قباها و کلاههای سبزبپوشند و پرچم ها را سبز کنند و همه مردم بغداد را بدان وادار کند» (بیهقی،۱۳۷۸،۱۹۱).

تصویرشماره۱:تعزیه خوانی عاشورا، عکس از محسن صادقی، ده زیار کرمان،مردادهزاروچهارصدویک،تدوین: نگارنده،۱۴۰۱

www.SID.ir

Archive of SID

مهمترین جلوه ی رنگ سبز نزد ایرانیان مفهوم حیات و جاودانگی است. این رنگ در اسلام جایگاه ویژه ای دارد، رنگ سبز رنگ آب خضر است و مقصود از آن آب حیات می باشد آبی که حضرت خضر به دنبال آن رفت آن را یافت و به جاودانگی رسید؛ از این رو نجم الدین کبری می گوید؛ «رنگ سبز رنگ حیات دل و آفرینش مرحله سلوک است. سبز نمادی از جاودانگی و نیکویی می باشد، صورتش از عالم طبیعت و محسوس اخذ شده اما معنایش از عالم معنا و نامحسوس»(مددپور، ۱۳۹۰). رنگ سبز به طور ویژه ای با حکمت و هنر اسلامی آمیخته است و کاربردی گسترده در هنر اسلامی دارد؛ بر این اساس روح اسلام در کالبد رنگ سبز هویدا شده با توجه به تشکیل رنگ سبز از دو رنگ آبی و زرد حالتی متعادل و میانه دارد. این رنگ به صورت سبز بهاری مصداق حیات و به صورت سبز زنگاری مصداق مرگ است»(کوپر، ۱۳۷۹).

در تمامی موارد ذکر شده فوق رنگ سبز به عنوان یک رنگ قدسی در غالب مضامین یاد شده حضور محوری دارد. گویا سرشت خود را از عام قدسی گرفته است. «در نمایش شبیه خوانی رنگ سبز علم ها و لباس موافق خوان ها به خلق فضای دست میزند که حریم اولیاست.گویا وارد شدن به این حریم تجاوز محسوب می شود. چنانکه لشکر اشقیا با اولیا می نماید. در بیشترین این فضا سازی نمادی از جاودانگی که معنای خود را از عالم برتر گرفته است. بدین سبب کاربرد رنگ سبز از رستاخیز و صعود روحانی به عالم برتر و رسیدن به نقطه وصل و کمال که همان معبود ازلی است می باشد. این نماد در یاران حق بصورت نشانه در لباسشان نیز تجلی می کند: شال و عمامه ی سبز امام حسین(ع)، قبای ابریشمی شانه زری و سبز رنگ حضرت محمد (ص) و ائمه (ع) از جمله لباس شبیه امام حسن(ع) علاوه بر معنای ذکر شده در فوق نمادی از مسموم شدن آن امام با زهر سبز است»(تقوی ،۱۳۹۶). شهادت خوان ها نیز از جمله شبیه علی اکبر (ع) و شبیه حضرت قاسم(ع) قبای سبز رنگی را در زیر زره خود به نشانه ی حضور در لشکر اولیا و یاری جستن از آنها می پوشند.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویرشماره۲:تعزیه خوانی عاشورا، عکس از محسن صادقی، ده زیار کرمان،مردادهزاروچهارصدویک،تدوین: نگارنده،۱۴۰۱

کاربرد رنگ سفید در موافق خوان ها

دل نیاسود از تردد تا نشد منزل سفید
کرد ما را رو سفید آخر، که روی دل سفید
صائب

ابتدایی ترین نشانه در مورد رنگ سفید در غالب فرهنگ ها رنگ پاکی و صلح می باشد. در ادیان مختلف نیز بیشترین بسامد رنگ سفید به لحاظ مفهومی جنبه قدسی بودن و الوهیت آن است. «در باور دینی نیز سفیدی از نور است و کسانی که اهل نور حق باشند به رنگ سفید نامیده می شوند و چهره هایشان نورانی می گردد »(طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۹۵). «برخی سفیدی را در ترکیب رنگ شمار نیاورد و آن را عین بی رنگی می دانند در حالی که رنگ سفید در همنشینی دیگر رنگ ها کیفیتی را پدید

www.SID.ir

Archive of SID

می آورد که مثل یک رنگ مستقل خودنمایی می کند و خصلت ها و ویژگیهای قابل توجهی از خود بروز می دهد. شاهد مثال اینکه در بیشتر اسطوره ها از جمله اساطیر ایرانی، رنگ سفید بعنوان رمز برتری معنویت و فضیلت آمده است و هرگاه با زرین همراه می شود، تقدس بیشتری می یابد. از کارکرد دیگر آن دراسطوره آفرینش سفیدی در برابرسیاهی همواره رمز راستی اهورا مزدا در برابر ناراستی اهریمن است و هنگامی که سفیدی با روشنی در هم می آمیزد. هرمز در بالا در زمانی بی کرانه و روشن است و جامه سپید «آسرونان» بر تن دارد. آسمان را روشن و سپید می آفریند. گاو یکتا را به رنگ سفید می آفریند. بز اساطیری که «مش» و «مشیانه» را سیراب می کند، سپید موی است...» (بهار، ۱۳۷۶: ۴۶-۱۵۸).

در نمایش شبیه خوانی رنگ سفید بی واسطه و بصورت مستقیم دارای مفاهیم و معانی می باشد که بواسطه اشیا و حیوانات و شخصیت های آن با زبان نشانه شناسی با مخاطب ایجاد ارتباط می کند: «در تعزیه رنگ سپید درحیوانات نیز دارای پیامی خاص است؛ بنابراین اسب اولیاء سفید رنگ است و اسب اشقیا به نشانه سیه دلی، صاحبانشان سیاه رنگ است. اشقیاء سیاه «نامه اند و نامه اعمالشان تیره و تار و دلهایشان سیاه و رویشان سیاه تر؛ اولیاء رخ سپیدانند و لاله رویان و سرخگون چهره ها و سپید بخت و سپید نامه اند»(عناصری،۱۳۶۶،۲۴۵). با توجه به ریشه های مذهبی شبیه خوانی رویکرد مذهب تشیع را نسبت به رنگ سفید مورد کنکاش قرار می دهیم: در تمامی روایت و احادیث به جای مانده از معصومین (ع) از رنگ سفید از رنگهای دوست داشتنی یاد شده است. تا جایی که بیشتر لباسهای پیامبر به رنگ سفید بوده است. در این زمینه از پیامبر روایت است: «بهترین لباسهای شما لباس سفید است در احادیث پوشیدن لباس سفید و کفن کردن مردگان در پارچه سفید مستحب است امام صادق (ع) که به شهر منصور دوانیقی رفت، بر قاطری ابلق سوار بود و لباس سفید بر تن داشت. منصور به او گفت: شبیه پیامبران شده ای؛ حضرت فرمود چه چیز مرا از فرزند پیامبر بودن دور می نماید» (محدثی، ۱۳۶۸: ۳۷) در اهمیت رنگ سفید در کتاب اوراد الاحباب چنین آمده است: «و اما مقام دوم، مقام تجلّی جلال است و آن مقام موسوی است علیه السلام و از جهت این حکمت، موسی علیه السلام بجز از پشم نرم سپید نپوشیدی. هر که در این مقام باشد، خصوصاً که بر روح او حال هیبت و حزن و قبض غالب باشد و بر مزاج بدن او مر السودا متولی شود، هر آینه، به جز از جامه نرم لطیف (سفید نپوشد و اگر به عکس آن، رنگ سیاه یا کحلی بپوشد، قبض و حزن بر وی غالب تر شود» (باخزری، ۱۳۴۵، ۳۸).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویرشماره۳:تعزیه خوانی عاشورا، عکس از محسن نوفرستی، بیرجند: نگارنده،۱۴۰۱

در تعزیه اهمیت بکارگیری واژه و مفاهیم سفید زمانی معلوم می شود که در تقابل با سیاهی قرار گیرد. نسخه نویس و معین البکا بـا تکیه بر تضاد و تقابل یک شناخت متعالی را به نمایش می گذارد و نمادهای تضاد و تقابل را با بهترین صورت ممکن در تقابل خیر و شر در روبروی هم قرار می دهد. به عنوان مثال کفن پوشیدن موافق خوانان در حمایت از اولیا در مجالس زیادی دیده شده است. این مهم نه در فضای سازی بلکه در نحوه پوشش شبیه خوانان نیز وجود دارد به عنوان مثال در نسخه شبیه خوانی مجلس امام حسین در روز عاشورا، قبای امام حسین به رنگ سفید می باشد .همچنین در این مجلس لباس ملایکه و جبرییل به این رنگ می باشد.در طول شبیه خوانی مجلس ظهر عاشورا هر چه به زمان واقع عاشورا نزدیکتر می شویم شهادت خوانان سفید پوش که نشانه کفن پوشیده و اماده برای شهادت در راه دین هستند. یاران امام چون حربن یزید ریاحی وقتی برای شهادت به امام حسین (ع) می پیوندد از پر سفید برای کلاه خود استفاده می کند که نشانه پاکی و رهایی و به سوی معبود رفتن است.

www.SID.ir

Archive of SID

کاربرد رنگ مشکی در موافق خوان ها

گفتی که پس از سیاه رنگی نبود

پس موی سیاه من چرا گشت سفید

حافظ

«سیاه تیره ترین رنگ است و در واقع خود را نفی می کند. سیاه نمایانگر مرز مطلقی است که در فراسوی آن زندگی متوقف می گردد و بیان کننده فکر پوچی و نابودی است. سیاه به معنای «نه» بوده و مقابل آن «بله» رنگ سفید است. سفید به صحنه خالی می ماند که داستان را باید روی آن نوشت ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد»(لوشر، ۱۳۷۸: ۹۷). در بیشتر فرهنگ ها، رنگ سیاه رنگ شب و رنگ حزن و اندوه می باشد. « در بیشتر جوامع سیاه رنگ عزا توبه و اندوه است و غالباً افرادی این رنگ را بر تن می کنند که جامعه را مردود می شمارند و با معیارهای آن سر ستیز دارند.. این رنگ بیانگر نوعی اعتراض به وضع موجود است که در آن وی احساس می کند هیچ چیز آن طور که باید و شاید نیست؛ در برابر سرنوشت خود قد علم می کند و یک رفتار عجولانه غیر عاقلانه بروز می دهد. بی علاقگی به زندگی، نفی هر چیز بدبینی ناباوری و لجاجت از دیگر خصوصیاتش می باشد»(لوشر، ۱۳۷۷: ۱۳۴). در فرهنگ کهن باستانی این رنگ نماد تاریکی و اهریمن است. «از آنجا که مفاهیم در گذر تاریخ دستخوش تغییر و تحول بوده اند؛ واژه سیاه نیز دلالتهای مختلفی را داشته است. گاهی از این رنگ به عنوان نمادی برای بد بودن استفاده شده است. تاریکی آغازین، خلاء، شر، ظلمت بزرگ، یأس، ویرانی، تباهی، اندوه و سنگ دلی از دیگر دلالت های این رنگ بوده است. در باور گذشتگان به ویژه در اساطیر ایرانی رنگ سیاه در مقابل رنگ سپید، معمولاً نشانه و نماد اهریمن و نیروهای اهریمنی است. رمز دروغ، شر و پلیدی است در اسطوره آفرینش اهورا مزدا در جهان روشن برین و اهریمن در جهان تاریک زیرین جای می گیرد»(بهار، ۱۳۷۶: ۱۰). در علوم دیگر مانند علم نجوم نیز از رنگ سیاه به معنای خاصی یاد شده است؛ «رنگ سیاه همچنین با ستاره منحوس کیوان، ارتباط دارد و ریشه در نجوم بابل و فرهنگ صابئیان حران دارد صابئیان حران برای زحل معبدی به شکل شش ضلعی از سنگهای سیاه می ساختند و پرده های سیاه بر آن می آویختند و این سیاره را به صورت پیرمرد هندی سیه چهره نشان می دادند»(حسن لی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). در کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن مجید نیز واژه سیاه بارها به کار رفته شده است. خداوند در آیه ۶۰ سوره زمرد می فرماید: روز قیامت کسانی که برخدا دروغ بستند، بنگرید که همه رویشان سیاه شده است و بر آیه ۵۸ سوره نحل چهرهٔ کسانی که از تولد نوزاد دختر ناراحت می شدند به رنگ سیاه تعبیر شده است: «و چون یکی از آنها را به فرزند دختری مژده آید، رخسارش سیاه شده سخت دلتنگ و خشمگین می شود» و در سوره های دیگر مثل زخرف/۱۷، نمل/۵۸، آل عمران/۱۰۶ و یونس/۲۷ از سیاه دلی مشرکان وروی سیاه آنان یاد شده است. در بیشتر موارد در قرآن رنگ سیاه در مقابل رنگ سفید بیان شده است؛ آنجا که پرودگار می فرماید تا رشته سیاه از رشته سفید صبحدم برایتان آشکار گردد(بقره/۱۸۷). و در جای دیگری

www.SID.ir

Archive of SID

می فرماید: در روزی که گروهی رو سفید و گروهی رو سیاه باشند سیه رویان را نکوهش کنند که چرا بعد از ایمان باز کافر شدید؟ بچشید عذاب را در برابر آنچه کفر ورزیدید. اما روسفیدان در رحمت خدا در آیند و در آن پس جاوید و مغتنم باشند»(آل عمران (۱۰۶و۱۰۷). در برخی از احادیث اسلامی پوشیدن لباس سیاه مکروه دانسته شده است، زیرا پوشش سیاه در بیشتر اوقات، ناراحتی روحی به دنبال داشته است. شاید به این دلیل بود که پیامبر (ص) رنگ سیاه را جز در مورد عمامه و کفش و عبا مکروه دانسته و در احرام و کفن آن را جائز ندانسته اند. در تعزیه رنگ سیاه را اغلب رنـگ شیطانی و سیاه بختی و در مرتبـه پـایینی می دانسته اند. اشقیا بواسطه این رنگ معرفی شده و در درون شخصیت خود این تباهی و سیاهی را می کشند. اما همیشه نیز این تعابیر در مورد رنگ سیاه عمومیت ندارد بعنوان مثال در مورد جبرئیل آورده اند: «اول کسی که با این رنگ سیاه و جامه مویین تمثل کرد، جبرئیل بود که خود را به رنـگ سیـاه بـر آدم عرضـه کرد»(باخزری،۱۳۵۴، ۳۰). و یا در باور عرفانی آمده است که گویند: «رنگ سیاه، رنگ شب است و رنگ مردمک دیده و از آن مردمی است که دل ایشان خزینه اسرار باشد و حال خود را از همـه کس مخفی می دارند و در پرده اولیائی تحت قبای به یاد محبوب ازل می گذرانند»(واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۱۶۸).

تصویرشماره٤:تعزیه شهادت امام حسین،مراسم شام غریبان،محمد نسایی،گرگان،مردادهزاروچهارصدویک،تدوین: نگارنده،۱٤۰۱

www.SID.ir

Archive of SID

اما در مجالس تعزیه کاربرد رنگ مشکی به گونه ای دیگر است. شاید معنای وجودی رنگ مشکی در تعزیه با به معنای عدم وجود و در ساحت ذات اقدس الهی باشد: «مشکی هویدای مرز مطلقی است که در فرا روی آن زندگی متوقف می شود از این رو بیانگر نابودی و نقطه ی پایان هر چیزی است. فروتر از همه ی رنگها رنگ مشکی قرار دارد و نماد لاشیئیت (هیچی است همچنین مشکی معنای نمادین دیگری همو دارد، معنای عدم وجود لاتعین) یا ذات الهی که حتی فراتر از ساحت وجود قرار دارد و فقط به واسطه ی شدت یا غلظت شدت روشنایی اش سیاه می نماید. برخی از عرفا آن را نور سیاه نامیده اند همانند مراتب وجود میان این دو حد نور و ظلمت، طیف رنگها قرار دارد»(خوش نظر و رجبی،۱۳۸۸). در مذهب شیعه مشکی رنگی است که با آن به احترام و با نشانه حیات و زندگی برخورد شده است. در بسیاری از مناسک و مراسم آیینی در اسلام پوشیدن این رنگ بخشی از اعمال فریضه و مناسک آیینی محسوب می گردد: مشکی نماد تجدید حیات دنیوی و اخروی و مظهر انقلاب روحی انسانها است، این رنگ در عرفان و ادبیات اسلامی نشانه تعالی است؛ مشکی رنگ مورد استفاده در پرده کعبه است که خود نمایانگر قداست این رنگ میان مسلمانان می باشد پوشش سیاه در عزا و عروسی و علم های سیاه صرفاً به معنای مرگ نیست، بلکه به معنی تجدید حیات دنیوی و اخروی و مظهر انقلاب روحی انسان می باشد که در حال محو حاصل می شود. در ادبیات و عرفان اسلامی رنگ مشکی نشانه ی تعالی است»(مددپور، ۱۳۹۰). بنابراین رنگ سیاه در تعزیه ماهیتی دوگانه دارد و از جایگاه خاصی برخودار است . در برخورد با مخاطب این نمایش آیینی نیز بیشتر مخاطبان در ایام برگزاری این مجالس سیاه پوشند و بنا به سنتی قدیمی به نشانه عزاداری رنگ لباس شان مشکی می باشد که نشانه احترام به این ایام و سوگواری اهل بیت است.

کاربرد رنگ قرمز در مخالف خوان ها

کانجا سر سبز بی زر سرخ

چون سیم سیاه ناروانست

انوری

رایج مفهوم در مورد رنگ قرمز نشان عشق و شیدایی می باشد که صد البته در فرهنگ های مختلف معنای گوناگونی دارد: « رنگ قرمز در بیشتر فرهنگ ها به لحاظ مفهومی بـه نوعی رنگ خون است و با توجه به فرهنگ ملل مختلف تعابیر متفاوتی دارد؛ به عنوان مثال در ژاپن نماد از خود گذشتگی و در ترکیه نشانه مرگ می باشد. در ادبیات فارسی نیز رنگ سرخ به دلیـل تشبیهات مکرر مورد توجه بوده است و در مفاهیمی چون گلگون، رنگ و رنگـیـن خود را نشان داده است. نمونه های بسیار زیاد دیگری در ادبیات فارسی به اعتبار سرخ بودن رنگ باده ترکیب هایی چون دخت رز، خون رز، خون خم، خون مینا، آب ارغوان، آب آتشین و لعل مذاب و غیره کـه همـه کنایه از شـراب می باشد»(محمد پادشاه،۱۳۴۶،۲۵۳).

www.SID.ir

Archive of SID

« قرمز بیانگر نیروی حیاتی است و لذا معنای آرزو و تمام شکلهای میل و اشتیاق را دارد. قرمز معنی لزوم بدست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی است. نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارد. قرمز یعنی محرک اراده برای پیروزی و تمام شکلهای شور و قدرت قرمز یعنی تأثیر اراده و قدرت آن می باشد»(لوشر، ۱۳۷۴: ۷-۸۶). رنگ قرمز با توجه به ماهیت خود دارای دو خصلت مثبت و منفی است منفی از این جهت که نشانگر شهوت، خونریزی، درنده خویی، خشم، گناه انتقام کشی و شقاوت است و مثبت از این جهت که مظهر نور نماد ،عشق ،بردباری، ایمان، عزت نفس، بزرگواری، پیروزی و شهادت می باشد. این رنگ از گذشته سمبلی برای تجدید حیات و از حیث زیبایی سرآمد رنگها محسوب می گردد، چنانکه در زبان روسی مفاهیم سرخ و زیبا به هم نزدیک هستند»(مددپور، ۱۳۹۰). سهروردی از رنگ سرخ به عنوان نماد جهان مغربی (عالم خاک) یاد می کند چنانکه در حکایت عقل سرخ سرگذشت سالکی را بازگو می کند که پس از گریختن از دست موکلانش رو به بیابان می رود و آنجا با پیری که محاسن و روی سرخ و نورانی دارد مواجه می شود. در این بیانات هنگامی که عقل انسان در ظلمت و تاریکی قرار می گیرد و نور و سفیدی ذات خود را را از دست دهند به رنگ سرخ هویدا می شود»(هاشم زاده، ۱۳۹۷).

«در لباس های شبیه خوانان رنگ قرمز مرز بین اولیا و اشقیا می باشد: این پوشش بخشی از تن پوش امیران مخالف در تعزیه می باشد بطوری که عبدالله مستوفی در توضیح تعزیه بازار شام اشاره می کند که یزید باید جبه اطلس سرخ پولک دوزی شده بر تن کند» (شهبازی راد، ۱۳۹۲). در مجالس شبیه خوانی فضای سرخ گونه که بیشتر نشانه جنگ و خونریزی می باشد و به سبب تجاوز و حمله لشکریان کافر که در برابر حق قرار گرفته اند در تصاحب اشقیاست. آنها در لوای رنگ قرمز از هیچ عملی ستمکارانه ای عبای ندارند. «رنگ قرمز در لباس حضرت عباس (ع) نشانه شدت عصبانیت ایشان نسبت به شقاوت کفار است و مورد استفاده شبیه طفولیت امام حسین (ع) نیز می باشد»(تقوی ،۱۳۹۶). در بیشتر نسخه های مجالس شبیه خوانی به رنگ قرمز اشاره مستقیم شده که با آن ظلم و ستمکاری مخالف خوانان را در اجرای این مجالس کامل می کنند. گویا اشقیا از رنگ قرمز برای ساختن فضای صحرای کربلا و شهادت هفتادو تن از یاران امام بیشترین استفاده را نموده اند. شمر از کلاه تا چکمه سرخ پوشیده است و در مجلس ظهر عاشورا بیرق ها را سرخ برپا کرده و برای لشکریان مخالف خوانش غالبا از هایشان تا پر کلاخود و بازوبند و غلاف شمشیر رنگ قرمز را تدارک دیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویرشماره٦:تعزیه حضرت عباس، عکس؛ زهرا همدانی ، نورآبادمهر،مردادهزاروچهارصدویک،تدوین: نگارنده،١٤٠١

با این وجود که قرمز در نشانه شناسی بیشتر در حیطه مخالف خوانان آمده است اما از ماهیت دوگانه ای نیز در برخی از مجالس شبیه خوانی برخودار است. دریک سوی پلیدی و درنده خصلتی مخالف خوانان، و در سوی دیگر رنگ مظلومیت و نشان ریختن خون شهدای کربلا نیز می باشد.

کاربرد رنگ زرد در مخالف خوان ها
چهره گلگون درین ره کی خرند
زرد باید روی روی زرد کو
فیض کاشانی

رنگ زرد یکی از عجیب ترین رنگها در فرهنگهای مختلف می باشد و دارای مفاهیم متعددی است. در بیشتر نقاط آسیا رنگ زرد نشانه بیماری نقرس و پرهیزگاری است و در یونان باستان رنگ زرد نشان دهندۀ حالات زنانه بوده است. آنها پوشیدن لباس

www.SID.ir

Archive of SID

زرد را برای مردان غیر قابل قبول می دانستند، و الهه ها و دوشیزگان را با پیراهن زرد نقاشی می نمودند. در ادبیات خودمان نیز معانی زرد، بیماری و ضعف ونخوت می باشد. «رنگ زرد به معنای داشتن آرزوهای بسیار شور و شوق، زندگی تهوّر و قدرت اراده است. صفات اصلی رنگ زرد عبارتند از: روشنی، شادمانی زودگذر، توسعه طلبی بلامانع، سهل گرفتن و تسکین خاطر است»(لوشر،۱۳۹۵،۷۳). «رنگ زرد نماد ،آفتاب ،شادی ،فریب آرزو و امید است بیشتر پژوهشگران رنگ زرد را رنگی شاد و فرح بخش می دانند که علاوه بر نوربخشی و امید به زندگی حس دلتنگی را از زندگی می زداید و نشاط و شادی را برای انسان به ارمغان می آورد. این رنگ مظهر دانش انسانی، روشنایی معنوی و نور الهی است؛ اما به هنگام تیره شدن ناپایداری، تردید، شک و بی اعتمادی را نشان میدهد»(البرزی و بهزاد مقدم (۱۳۹۴). در شبیه خوانی از رنگ زرد برای نشان دان شخصیت حربن یزید ریاحی استفاده شده است. زرد رنگ حر می باشد. حر که در لشکر دشمنان امام بود به ناگاه برایش تحول درونی اتفاق می افتد و به جمع یاران امام در می آید. استفاده از رنگ زرد در تمامی مجالس شبیه خوانی مختص حر است گویا حر با این رنگ مفاهمی چون پریشانی و متضرر شدن و ندامت در مجالس شبیه خوانی به ما گوشزد می نماید. این تغییر را زمانی که او به سپاه امام (ع) می پیوندد با تغییر رنگ پر کلاه خود به رنگ سفید به نمایش می گذارد.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شمارهٔ ۲: جدول یافته‌های کارکرد عنصر رنگ در مجالس شبیه خوانی ، مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۱

رنگ شخصیت های شبیه خوانان	رنگ لباس شبیه خوانان	کارکرد مفهومی رنگ در شبیه خوانی
شبیه امام حسین(ع)	رنگ سبزشال و عمامه ی سبز وقبای ابریشمی	مفهوم خیر و حق طلبی
شبیه موافق خوانان(علی اکبر (ع) شبیه حضرت قاسم وعباس(ع))	عبای سبز رنگی در زیر زره خود و شال وپر	مفهوم معصومیت و بی گناهی
شبیه حضرت زینب خوان	رنگ سبزشال و عبای سبز رنگی	مفهوم خیر و حیات
شبیه شمر خوان	رنگ عبا و کلاخود و پر وکفش	مفهوم شر و خونریزی
شبیه حر	رنگ عبا و پر وکفش	مفهوم آزادگی
شبیه پیامبر اکرم	رنگ عبای سفید و عمامه و کفش	مفهوم پاکی و خیرخواهی
شبیه ملایک و جبرییل	رنگ عبای سفید و عمامه و کفش	مفهوم پاکی و صداقت
شبیه لشکر مخالف خوانان	رنگ قرمز عبای و عمامه و کفش	مفهوم جنگ و خونریزی و ظلم

www.SID.ir

Archive of SID

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱.مفاهیم و معانی گوناگون رنگ در مجالس شبیه خوانی بیانگر نوع نگاه این نمایش آیینی به رنگها و و بکارگیری آنها در اجراها می باشد. وهمچنین بیانگر توانایی هنرمندان آیینی در به کارگیری این عناصر رنگ در آیین ها و مناسک برای بیان منظور و ارتباط با مخاطب خویش است.

۲. در نمایش شبیه خوانی رنگ حضوری تزیینی و اتفاقی ندارد بلکه با لایه های معنایی و ساختاری مجالس شبیه خوانی همراه و همیار بوده و بیانگر حالات درونی و بیرونی شبیه خوانان(مخالف خوانان و موافق خوانان) بوده است که در مخاطب تأثیرمی گذارد و گاهی در انتقال معنا چرخشی قابل توجه می کند که این چرخش معنایی بواسطه کاربرد رنگ ها در مجالس شبیه خوانی باعث رنگ آمیزی معنای صحنه می گردد.

۳. درشبیه خوانی رنگ سبز، رنگ موافق خوانان است. آنها نماینده اولیا هستند و با فضای سازی صحنه تعزیه، از علم و کتل گرفته تا رنگ لباس والزامات صحنه ای برای اجرای مجالس شبیه خوانی، که سبب بوجود آمدن صحنه ای با طیف رنگی سبز می گردد که نشان حریم اولیاست. در بیشترین این فضا سازی رنگ سبز نمادی از جاودانگی که معنای خود را از عالم برتر وام گرفته است. بدین سبب کاربرد رنگ سبز از رستاخیز و صعود روحانی به عالم برتر و رسیدن به نقطه وصل و کمال که همان معبود ازلی است می باشد.

۴. مشکی در مجالس شبیه خوانی رنگی دوگانه است. گاه برای قطب اشقیا فضا سازی می کند و بانشانه های حضورش صحنه را برای قصاوت و تیره دلی آنها مهیا می سازد و در ترکیب با رنگ قرمز پوشش شمر پوشان های لشکر اشقیا سیاه دل را فراهم می آورد. و گاه در خدمت معصومیت وتظلم خواهی موافق خوانها و در پوشش بخش هایی از جامه موافق خوانها از جمله عبا ،شال عمامه ی امام حسین(ع) و روبنده زنان موافق خوان از چون حضرت زینب (ع) که این رنگ را بر تن مبارک پوشانده است. در نهایت در بیشتر مجاس شبیه خوانی به نشانه عزاداری بر حضرت سیدالشهدا و در شهادت حضرت نشانه عزاداری جهان پیرامونی اش می باشد.

۵. رنگ قرمز در شبیه خوانی رنگ خاک کربلاست. کاربرد آن در مجالس شبیه خوانی یادآور ظلم و ستم لشکریان کفر بر امام و یارانش می باشد. قرمز رنگ شمرپوشانی سیاه دل و قصی القلب می باشد. با این وجود که قرمز در نشانه شناسی بیشتر در حیطه مخالف خوانان آمده است اما از ماهیت دوگانه ای نیز در برخی از مجالس شبیه خوانی برخودار است. در آنسوی پلیدی و درنده خصلتی مخالف خوانان، رنگ مظلومیت و نشان ریختن خون شهدای کربلا نیز می باشد.

۶.عنصر رنگ بالایه های معنایی نسخه های شبیه خوانی و ساختاراجرایی این نمایش آیینی در آمیخته است .رنگ حالات درونی وبیرونی نقش خوانان مجالس شبیه خوانی را بیان می کند و بواسطه نشانه شناسی رنگ ها در اجرای مجلس شبیه مخاطب با آن ارتباط بر قرار می کند و با باوری تمام منتظر تکه ای از رنگ لباس اولیا خوانان به عنوان تبرک می ماند. این

www.SID.ir

Archive of SID

تاثیر در هیچ مکانی از این جهان گسترده مخاطب به مانند اجرای مجالس تعزیه دیده نشده و این اجراها را در نوع خود یگانه کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

کتاب

قرآن کریم

ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۴ق)،الطبقات الکبری(محقق محمد عبدالقادر عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.

اسماعیلی، حسین(۱۳۸۹).تشنه در میقاتگه:متن و متن شناسی تعزیه(مجموعه لیتن)،تهران،نشر معین.

باخزری، ابو المفاخر یحیی، (۱۳۴۵)، اوراد الاحباب و خصوص الآداب، تهران: دانشگاه تهران.

بکری، احمد بن عبداله،(۱۳۷۳)، أألنوار فی مولد النبی. چاپ اول. قم: الشریف الرضی

بهار، مهرداد ((۱۳۷۶) پژوهش در اساطیر ایرانی، تهران: آگاه.

بیهقی، محمد بن حسین،(۱۳۷۸)،تاریخ بیهقی(به کوشش خطیب رهبر)، تهران: قطره

چلکووسکی ، پیتر ،۱۳۸۴ ،تعزیه: آیین و نمایش در ایران ، داود حاتمی ، تهران، انتشارات علمی فرهنگی .

حسن لی، کاووس و مصطفی صدیقی، ۱۳۸۵) نگاهی به هفت پیکر از دیدگاه نمادگرایی در پوشش صوفیه تجلی عرفان در سخن سخنوران آذربایجان به کوشش فاطمه مدرس و محبوب ،طالعی انتشارات دانشگاه ارومیه.

سپهری، سهراب،(۱۴۰۰)، اتاق آبی، تهران، انشارات سروش.

شهری باف، جعفر،(۱۳۸۳)،طهران قدیم،ج ۲،چاپ چهارم، تهران: نشر معین.

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان،(۱۴۱۳ق)،امالی المفید. کنگره شیخ مفید. قم: کنگره هزاره جهانی شیخ مفید.

رودنبولر، الف. (۲۰۱۲). ارتباطات آیینی از گفت وگوهای روزمره تا جشن های رسانه ای شده.ترجمه ع گیویان (۱۳۹۲) تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.

عناصری، جابر، (۱۳۶۶)، درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران ، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

کمپبل، ج. (۱۹۶۴). قدرت اسطوره ترجمه ع. مخبر (۱۳۷۷). تهران: نشر مرکز.

کوپر، جی.سی،(۱۳۶۳)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، انتشارات فرشاد.

لوشر ماکس (۱۳۷۴)، روان شناسی رنگها ترجمهٔ ویدا ابی زاده، تهران: درسا.

محدثی، جواد، (۱۳۶۸)، هنر ،مکتبی تهران معاونت پرورش آموزش و پرورش.

مددپور، محمد،(۱۳۹۰)، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر ،اسلامی چاپ ،سوم ،تهران، انتشارات سوره مهر.

همایونی، صادق ، ۱۳۸۰،تعزیه در ایران. چاپ دوم. شیراز،انتشارات نوید شیراز.

همدانی ،زاده فرحناز (بی تا)، نمادشناسی رنگ در هفت گنبد نظامی، هنرنامه، شماره ۵.

مقاله

www.SID.ir

Archive of SID

اعظم زاده، محمد و آریان پور، مهفام و رضوی هندی، پگاه سادات،۱۳۹۵،رنگ در جامه های تعزیه با تاکید بر مفهوم رنگ از دیدگاه عرفا،https://civilica.com/doc/1004789

تقوی،لیلا، هنرهای نمایش؛قراردادهای ویژه رنگ در نمایش آیینی تعزیه،نشریه رشدآموزش هنر، شماره۴۸، بهار۱۳۹۶،صص۶۴-۶۹.

پیراوی ونک، مرضیه، و نیک نفس، اقدس. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی نمایش های تعزیه و تراژدی بر اساس نظریات ارسطو. شناخت (پژوهشنامه علوم انسانی)، -(۱/۶۳)، ۵۴-۳۱. https://sid.ir/paper/248313/fa

حسین آبادی، زهرا و رحیمی صادق، مسعود،۱۳۹۹،بررسی و نمادشناسی رنگ در لباس نمایش تعزیه،نخستین کنفرانس ملی پوشاک، طراحی پارچه و لباس،شیراز،https://civilica.com/doc/1193360

خوش نظر، رحیم،رجبی، محمدعلی، نور ورنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره۱۲۷، فروردین ۱۳۸۸، صص ۷۰-۷۶.

رحمانی، ج.، و فرحزادی (۱۳۹۲) آیینهای زنانه در ایران با تمرکز بر آیین های زن شاهی.پایان نامه کارشناس ارشد رشته هنر دانشکده هنر دانشگاه هنر اسلامی اصفهان.

شهناز، شاهین ، در پژوهشی تحت عنوان بررسی نماد رنگ در تاتر و ادبیات و در آیین ملت ها،نشریه هنرهای زیبا ،۱۳۸۳،شماره ۱۸،صص ۹۹تا۱۰۸.

فهیمی فر،علی اصغر؛ پازوکی، شهاب، ۱۳۹۵، پدیدارشناسی حضوراجراگر در شبیه خوانی،فصلنامه عامی پژوهشی کیمیای هنر،سال پنجم،شماره۲۰،صص ۳۶-۳۷.

محمدی، شبنم و وندشعاری، علی،۱۳۹۴،معناشناسی رنگ در تعزیه عاشورا با تأکید بر آیات قرآنی،اولین کنفرانس بین المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری،شیراز،https://civilica.com/doc/543559

محمدی تمنایی، نفیسه،۱۴۰۰،چهار بن مایه مفهومی مشترک در نمایش های آیینی ایران و تعزیه،همایش ملی تئاتر و ارتباط فرهنگی،شیراز،https://civilica.com/doc/1307771 +

محمودی، فتانه، و طاووسی، محمود. (۱۳۹۰). جایگاه هویت آیینی- مذهبی «تعزیه» و واقعه عاشورا در هنرهای تصویری مازندران.

مطالعات ملی، ۱۲(۴ (۴۸))، ۹۲-۶۷. https://sid.ir/paper/402761/fa

منصوری، سیدامیر.(۱۴۰۰)، سه گانه منظر آیینی، نشریه منظر، دوره ۱۳،شماره ۵۶، مهرماه ۱۴۰۰، ص۳.

هاشمپور، نرگس(۱۳۹۲)استتیک پرفورمنس در تعزیه و تماشاگران زن، مجله کیمیای هنر، شماره۹ پژوهشکده هنر، تهران، صص۲۵-۱۹.

www.SID.ir

Archive of SID

نصیری، محمد، افراسیاب پور، علی اکبر، و احمدی، فریبا. (۱۳۹۷). نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی. عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۴(۵۶)، ۷۱-۵۳. https://sid.ir/paper/513492/fa

www.SID.ir